نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال هجدهم، شماره ۵۰، پاییز۹۷

توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی

دریافت مقاله: ۹۶/۳/۱۴ **پذیرش نهایی**: ۹۷/۲/۲۸

صفحات: ۱۹۸-۱۷۹

طاهر پریزادی: استادیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی‌شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. [1]
Tparizadi@khu.ac.ir

حجت میرزازاده: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
hujjatm93@gmail.com

چکیده

توزیع نامتعادل امکانات و خدمات اقتصادی، اجتماعی و... بین مناطق، ضرورت توجه به برنامه‌ریزی توسعهٔ فضایی و متعادل نمودن ساختار فضایی کشور را اجتناب ناپذیر نموده است. امروزه موضوع عدالت اقتصادی یکی از پایه ای ترین موضوعات است که عدالت توزیعی یکی از بخش های آن را در برمی گیرد. عدالت توزیعی بر توزیع عادلانهٔ منابع و منافع جامعه بین اقشار مختلف تأکید دارد. پژوهش حاضر به منظور تعیین سطح توسعه یافتگی استان های کشور ایران در سال(۱۳۹۰) و رتبه بندی آنها براساس میزان توسعه یافتگی، همچنین مقایسه سطوح توسعه کشور از ۱۳۴۵ تا کنون انجام گرفته است. این پژوهش بر اساس هدف جزو تحقیقات شناختی و از منظر روش جزو تحقیقات ارزیابی – مقایسه ای است. جامعه آماری طبق آخرین تقسیمات سیاسی ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۰ و شاخص های مورد بررسی شامل ۳۳ شاخص در چهار بعد (اقتصادی، زیربنایی- کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و بهداشتی- درمانی) بوده است. برای تجزیه وتحلیل داده ها از تکنیک های تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ی در نرم افزار spss استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می دهند که بین استان های کشور از نظر توسعه یافتگی، تفاوت ها دارای نابرابری هایی می‌باشد؛ به طوری که استان تهران به تنهایی درطول چند دهه بالاترین سطح توسعه یافتگی و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین سطح در بین استان های دیگر را دارا می باشد. همچنین مقایسه استان ها در طول دوره های مختلف نشان از نابرابری توسعه مرکز نسبت به پیرامون دارد. طبق نتایج بدست آمده از تحقیق برای کاهش نابرابری بین استان‌های کشور، ضمن توجه به استعداد ها و توان های هر منطقه در اولویت قرار دادن استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته در برنامه ریزی‌های منطقه ی را می طلبد.

کلید واژگان : نابرابری منطقه ای، تعادل، محرومیت، عدالت توزیعی

۱-**نویسنده مسؤل**: دانشگاه خوارزمی تهران، طبقه چهارم، دانشکده علوم جغرافیایی ۰۹۱۲۸۸۱۹۲۸۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]

[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

مقدمه

در جهان امروز، نابرابری های منطقه ای پدیده ای فراگیر و رو به گسترش است(Lees,2010: 1 & UNDP, 2010). بدین خاطر توجه به برنامه ریزی فضایی به منظور کاهش نابرابری ها و عدم تعادل منطقه‌ی مورد توجه فراوان قرار گرفته است. توسعه منطقه ی مفهومی جدید در ادبیات برنامه ریزی می باشد. که هدف آن خلق چارچوبی مناسب برای دستیابی به یک مفهوم با ثبات در استانداردهای زندگی شهروندان است (Apostolachet,2014: 36 - Amin Bidokht,2007: 17). در برنامه ریزی فضایی، میزان توسعه مناطق توسعه نیافته برای دستیابی به توسعه متعادل و برابر ارزیابی می شود. بنابراین شناخت صحیح امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به عنوان اولین گام در برنامه ریزی توسعه فضایی، می تواند به بهبود خدمات رسانی و افزایش تعادل و برابری بین مناطق کمک نماید. بدین صورت که با شناسایی مناطق برخوردار و هدایت امکانات و خدمات به سمت مناطق محروم، توسعه به صورت هماهنگ و برابر امکان پذیر می گردد(لیلیان ودیگران، ۱۳۹۰: ۲). مقوله توسعه مشکلات بسیاری از کشورهاست، (ضرابی و تبریزی، ۱۳۹۰: ۳) به دلیل اینکه نابرابری منطقه ای (فضایی)، به عنوان مانعی بر سر راه توسعه متوازن و پایدار عمل می کند. که دارای آثار منفی مخصوص به خود است. زیرا، امکان استفاده بهینه فضا را از جامعه سلب می کند و موجبات تراکم جغرافیایی فقر(جدایی گزینی) را فراهم می سازد. در جهان امروز امکانات و خدمات در سطح مناطق بویژه در شهرها به صورت عادلانه و متوازن پخش نشده اند(Fedorov,2002: 443). نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه های مهم توسعه نیافتگی است چرا که نابرابری های منطقه ای در تمام اشکال و سطوح آنها می تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد(Pacion,2003: 291). در سطح منطقه، ایجاد تعادل منطقی بین مردم، اشتغال و خدمات یکی از آرمان های پسندیده می باشد(معصومی اشکوری، ۱۳۸۵ : ۵۴). طی سال های اخیر بسیاری از دولت ها و تصمیم گیرندگان درتلاش بوده اند که از شدت نابرابری های منطقه ای بکاهند (Winkler,2012: 84). یکی از عواملی که در توسعه منطقه ای مورد توجه قرار می گیرد، توسعه خدمات و امکانات به صورت متعادل در مناطق است. یکی از رویکردها به نظریهٔ عدالت به مثابهٔ انصاف راولز[1]، عدالت توزیعی[2] می باشد، که مبانی آن از اصل دوم عدالت به مثابهٔ انصاف یعنی اصل تفاوت استنتاج می شود. اصل تفاوت نظریهٔ عدالت به مثابهٔ انصاف، بیان می دارد که بازتوزیع منابع، ثروت و قدرت هنگامی که نابرابری شدید در سطح جامعه به نفع محروم ترین افراد جامعه نباشد لازم و ضروری است (Leigh and Jencks,2007: 24). عدالت اجتماعی/ توزیعی بیانگر توزیع عادلانهٔ امکانات و ثروت میان افرادی است که طبق تعریف دارای حقوق برابرند(Wilkinson,2006: 23). در هر جامعه ای چگونگی توزیع درآمد، میزان فقر و ارائهٔ کالاهای عمومی نظیر خدمات بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و .. نشان دهندهٔ میزان توجه دولت به عدالت توزیعی است(باباخانی و دیگران،۱۳۹۰: ۲) اما با وجود پیشرفت هایی که محققان در قرن گذشته در زمنیه های اقتصادی، اجتماعی، و... به دست آورده اند، در حال حاضر شاهد شکاف های مشخص و واضحی در میزان توسعه یافتگی در بین مناطق و عدم تعادل و نابرابری در میزان توسعه امکانات می باشیم (Kawachi et al,2002: 48). که یکی از ویژگی های کشورهای در

1 -John Rawls
2- distributive Justice

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

حال توسعه است. در کشور ما نیز نبود تعادل در بین مناطق مختلف[1] به چشم می خورد. بدین صورت که تمرکز اقتصادی در برخی از مناطق کشور مانند تهران و برخی کلان شهرهای منطقه ای، توزیع نامتعادلی از رشد را در مناطق مختلف کشور پدید آورده است که به دلیل جذب جمعیت و فعالیت بخش زیادی از منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری و در نتیجه رشد را به خود اختصاص داده اند. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰، ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰(سرشماری عمومی نفوس ومسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ گزارش شده که نسبت به سال ۹۰، ۲/۵ درصد تغییر داشته است. این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می باشد که باعث نابرابری ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است. بنابراین تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه های زیستی، نابرابری در نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر تخصیص منابع و امکانات به مناطق خاص و محروم کردن سایر مناطق از این تسهیلات موجب نابرابری منطقه ای می شود(Todes,2001:58). مساله ای که بازتاب آن را در رشد ناهمگون و نابرابر شهرهای ایران می توان مشاهده کرد. بی تردید مهمترین رویکردهای تبیین کنندهٔ برخورداری را می توان منطبق با برنامه ریزی فضایی و منطقه ای قلمداد نمود(Wheeler,2002: 270). برنامه ریزی فضایی گامی مؤثر در افزایش برخورداری مناطق از انواع خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و ... است(Haughton & Counsell,2004). از این رو شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه اولین گام در برنامه ریزی منطقه ای است. به طورکلی، هدف از توسعه بهبود شرایط کلی زندگی مردم، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. توزیع نامتعادل این خدمات و امکانات موجب نابرابری ها در سطح مناطق کشور می شود. این مناطق جاذبِ اصلی فعالیت و جمعیت بوده و بخش زیادی از رشد اقتصادی، منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده اند. در نتیجه موجب پدید آمدن فقر و بیکاری، نارسایی زیر بناها و خدمات رسانی، تهدید محیط زیست، تحرکات جمعیتی و... شده است(رفیعیان، ۱۳۹۱: ۲) ایران به عنوان یک کشور درحال توسعه، که براساس آخرین تقسیمات سیاسی دارای ۳۱ استان و با چهار اقلیم متنوع، ازنظر برخورداری از شاخص های مختلف توسعه دارای نابرابری فضایی[2] می باشد(پریزادی و زنگی آبادی، ۱۳۹۰: ۲). میزان محرومیت در برخی مناطق که وجود اقلیم های متنوع همچنین مجموعه ای از منابع طبیعی و محیط زیستی از جمله منابع آب و خاک، تنوع زیستی، جنگل ها و سیاست ها و خط مشی های ملی و منطقه ای در کشور و در بیشتر مواقع هم در اثر برنامه ریزی های نامطلوب و متمرکز، مسائل عمده ای را در روند توسعه نواحی کشور ایجاد کرده است.

سوالی که در این پژوهش به آن پرداخته شده، این است که مناطق مختلف ایران از چه میزان و رتبه ای از توسعه برخوردارند؟ و رتبهٔ هر یک از مناطق در بین سایر استان ها چگونه است؟

۱- در این مقاله منطقه به عنوان استان در تقسیمات سیاسی در نظر گرفته شده است.

2 -Spatial inequality

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

هدف از این پژوهش، تعیین سطح توسعه یافتگی استان های کشور به لحاظ برخورداری از شاخص های (اقتصادی، زیربنایی، بهداشتی، درمانی و...) و رتبه بندی براساس توسعه یافتگی و پیشنهادات راهبردی جهت برنامه ریزی و سیاست گذاری در استان ها می باشد.

تحقیقات زیادی درباره تعیین تفاوت های توسعه یافتگی واحدهای جغرافیایی در ایران و سایر کشورها در سال های مختلف با استفاده از روش های گوناگون صورت گرفته است. برخی مطالعات نیز به تحلیل نابرابری و عدم تعادل منطقه ای و شناسایی مناطق محروم و عقب مانده کشور بر اساس ترکیبی از روش های تحلیل نابرابری پرداخته اند بررسی تجارب جهانی در تحلیل عدم تعادل فضایی و سطح بندی درجه توسعه یافتگی نواحی گوناگون در ایران، راهگشای تفکر صحیح و استفاده از این تجارب در تدوین شاخص ها و متغییر های قابل استفاده در پژوهش حاضر خواهد بود جدول (۱).

جدول (۱): تحقیقات انجام شده بعضی کشورهای خارجی و ایران

مطالعات خارجی			
عنوان تحقیق	**نویسنده گان**	**سال مطالعه**	**نتایج**
بررسی نابرابری های منطقه ای درکشور غنا طی دوره ۱۰ ساله۱۹۹۰-۲۰۰۰	Al- Hassan	۲۰۰۷	به این نتیجه رسیده اند که رشد اقتصادی طی این دوره منجر به به کاهش فقر عمومی در کشور شده است .
توسعه انسانی واختلاف منطقه ای در هند	norbakhsh	۲۰۰۲	نابرابری های بین ایالت های هند را مورد بررسی قرارداده است
طبقه بندی مناطق مختلف بلژیک	joe and maria	۲۰۰۱	با روش تحلیل عاملی جهت آشکار نمودن نابرابری های منطقه ای، مناطق کشور پرتقال را درمناطق زمانی ۱۹۹۱و ۱۹۹۵ به لحاظ توسعه رتبه بندی نموده اند
رتبه بندی سکونتگاه های گینه پایائو	Wilson	۲۰۰۱	بر اساس هشت شاخص که بیشترین تأثیر مستقیم را بر زندگی مردم داشته انجام گرفته است. ویلسون در این مطالعه امتیاز نهایی هر بخش را که بین صفر تا صد متغییر بود، از میانگین مجموع هشت شاخص مورد بررسی به دست آورده است.
تحلیل فضایی ایالت های مالزی با تحلیل عاملی	Pryor	۲۰۰۱	پریور نیز طی مطالعه ای یازده ایالت مالزی باختری را به هفتاد بخش جغرافیایی تقسیم کرده و با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد تحلیل فضایی قرار داده است

مطالعات داخلی			
تحلیل توسعه منطقه ای استان مرکزی با استفاده تکنیک های چند معیاره	توکلی نیا و دیگران	۱۳۹۶	از مجموع ۱۲ شهرستان استان، شهرستان های اراک، ساوه، و خمین در رتبه های نخست قرار گرفته و شهرستان های آشتیان، خنداب و فراهان رتبه های آخر را به خود اختصاص دادند.
شناسایی عوامل کلیدی موثر بر توسعه نیافتگی منطقه ای(کهگیلویه و بویر	زالی و سجادی اصل	۱۳۹۵	با توجه به نتایج بدست آمده دلیل اصلی توسعه نیافتگی استان عوامل مدیریتی و فرهنگی می باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

احمد)			
بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه ای رفاه در استان های ایران	شهیکی تاش و همکاران	۱۳۹۴	نتایج آن نشان داد که استان کهگیلویه و بویر احمد جز استان های بود که دارای کمترین سطح رفاه در کشور بوده اند
تحلیل فضایی شاخصهای توسعهٔ منطقهای با بهره گیری تلفیقی از تکنیک های تصمیم گیری چند شاخصه، مورد پژوهش: استان کردستان	زنگی ابادی و دیگران	۱۳۹۳	وضعیت برخورداری شهرستانهای استان کردستان از شاخصهای مورد بررسی متعادل نبوده و عدم توازن نسبتاً محسوسی در میزان برخورداری از این شاخصها در بین شهرستانهای استان مشاهده میگردد
نابرابری های منطقه ای و بین منطقه ای با روش SAW	شیخ بیگلو و تقوایی	۱۳۹۲	در میان شهرستان ها از لحاظ توسعه یافتگی نابرابری های آشکار وجود داردو سطح توسعه بیشتر شهرستان های پایین تر ازحدمتوسط است.
سنجش شاخصهای توسعه یافتگی دراستانهای کشور طی سال های ۱۳۸۳تا ۱۳۸۸	اطاعت و شجاعی نسب	۱۳۹۲	سطح توسعه و درجه توسعه یافتگی استانها در پایان برنامه چهارم توسعه بیشتر از پایان برنامه توسعه شده است.
تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری	رفیعیان و شالی	۱۳۹۱	کلان شهر تهران فاقد وحدت کالبدی- اجتماعی بوده و ناهمگونی های فضایی بین مناطق شمالی و جنوبی آن به عنوان ویژگی اصلی ساختار فضایی شهر تهران همچنان پابرجاست.
علل توسعه نیافتگی ایران	نقدی و حصاری	۱۳۹۱	روش به کار رفته در این تحقیق فراتحلیل بوده است و نتایج آن نشان داد که موانع سیاسی به ویژه استبداد تاریخی و آمادگی ایرانیان در پذیرش استبداد حائز رتبه نخست در میان عوامل متعدد توسعه نیافتگی در ایران بوده

با توجه به تحقیقات انجام شده، هر کدام از مطالعات با روش و داده های خاصی به بررسی و تحلیل نابرابری و توسعه مناطق پرداخته اند. این پژوهش از شاخص های ترکیبی که به طور گسترده برای مقایسه عملکرد مناطق مورد توجه قرار می گیرند، استفاده کرده است.

روش تحقیق

قلمرو مورد مطالعه این پژوهش کشور ایران است که بر اساس تقسیمات سیاسی، دارای ۳۱ استان در سال ۱۳۹۰می باشد. جمعیت ایران در این سال مشتمل بر ۷۵,۱۴۹,۶۶۹نفر بوده که ۷۱/۴ درصد از این جمعیت شهرنشین و ۲۸/۵ درصد روستانشین بوده اند. نرخ رشد جمعیت نیز در این دوره ۲۹/۱ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۰ تعداد شهرهای کشور ۱۳۳۱ عدد بوده که ۸ شهر تهران، مشهد، کرج، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز و قم بالای یک میلیون نفر جمعیت داشته اند. بیشترین تراکم جمعیت در این سال، در استانهای تهران با ۰/۸از سهم مساحتی کشور، تراکم جمعیتی۸۹۰، البرز با ۰/۳ سهم مساحتی و تراکم جمعیتی ۴۷۱، و کمترین تراکم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

در استان سمنان با ۶ درصد سهم مساحتی دارای تراکم جمعیتی۶ یعنی ۰/۸ درصد جمعیت را دارد(نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰).

پژوهش حاضر بر اساس هدف شناختی و از منظر ماهیت و روش جزء تحقیقات ارزیابی – مقایسه ای است. جامعه آماری تحقیق مشتمل بر۳۱ استان کشور و شاخص های مورد بررسی ۳۳ شاخص انتخابی که در چهار بعد کلی(اقتصادی، زیربنایی- کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و بهداشتی- درمانی) انتخاب شده است. روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای- اسنادی بوده که از طریق مراجعه به داده های مرکز آمارایران سال ۱۳۹۰، اسناد، مقالات و نشریات کشور استخراج شده اند. دراین پژوهش از نرم افزار spss برای تحلیل های آماری و متغیرهای مورد بررسی با روش تحلیل عاملی، دارای تایید روایی و به صورت ترکیبی در مولفه های معنی دار ارائه شده است. به منظور دستیابی به اعتبار، روایی شاخص ها و معیارهای تحقیق، همبستگی و کنترل صحت و دقت درانتخاب شاخص های سنجش توسعه یافتگی و همچنین جهت کنترل روابط و ساختارها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است برای سطح بندی استان ها نیز روش تحلیل خوشه ای مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل خوشه ای نواحی شهری که بیشترین همانندی را از نظر امتیازهای عاملی دارند، دریک خوشه دسته بندی می کند. انتخاب هر یک از این روش ها بستگی به داده های آماری و هدف برنامه ریزی دارد(حکمت نیا و میرنجف، ۱۳۸۵: ۲۳۷) در نهایت سطوح توسعه یافتگی و مراتب توسعه استان های کشور در دوره های مختلف سرشماری مقایسه و فراز و فرود استان ها کنترل و تحلیل شده اند. کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی از روش آماره KMO و بارتلت نشان داده شده است جدول(۲). مقدارآمارهKMO معادل ۰/۷۶۴محاسبه شده که مبین مناسب بودن حجم داده ها برای تحلیل عاملی و تعمیم نتایج آن به جامعه آماری است. نتیجه آزمون بارتلت نیز با سطح معناداری0/000: sig معنادار بوده و تأیید کننده مناسب بودن داده ها برای استخراج عوامل می باشد عوامل استخراج شده با شاخص های مد نظر تحقیق حاضر بسیار نزدیک و مرتبط بوده است.

جدول (۲) : کفایت حجم نمونه و آزمون بارتلت

کفایت حجم نمونه	۰/۷۶۴
آزمون بارتلت	۵۷۰/۴۴۲
درجه آزادی	۱۷۱
سطح معنا داری	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

برای رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی استانهای کشور از شاخص های متعددی در قالب چهار بعد و ۳۳ شاخص که از اسناد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ در سطح استان ها انتخاب شده که به شرح زیر می باشند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

- شاخص های عامل اقتصادی :۱ – نسبت هزینه خانوار،۲- نرخ مشارکت اقتصادی، ۳- تعداد بنگاه های اقتصادی به ۱۰۰۰۰ نفر،۴- تولید سرانه،۵- تعداد کارگاه صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر، ۶- میزان درآمد،۷- بهای مصرفی خانوار،۸ – نرخ بیکاری.

شاخص های عامل بهداشت و درمان :۱- تعداد خانه بهداشت روستایی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر،۲- تعدادپزشک عمومی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر ،۳ - تعداد مراکز بهداشتی و درمانی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر ، ۴- درصد تحت پوشش خدمات درمانی به ازای هر ۱۰۰۰۰نفر،۵ - تعداد آزمایشگاه نسبت به۱۰۰۰۰ نفر ،۶- تعداد داروخانه به ازای ۱۰۰۰۰نفر

- شاخص های عامل اجتماعی – فرهنگی : ۱- نرخ باسوادی بزرگسالان مرد،۲- نسبت جمعیت،۳ -تعداد مراکز فرهنگی،۴ - تعدادکتابخانه به ازای هر۱۰۰۰۰ نفر جمعیت،۵ – امید به زندگی در بدو تولد، ۶ – درصد رشد جمعیت،۷ – میزان مهاجرت برون کوچی،۸ – میزان مهاجرت درون کوچی، ۹ – نرخ شهرنشینی۱۰- بعد خانوار، ۱۱- نرخ زادو ولد،۱۲- نرخ مرگ ومیر،۱۳- نرخ ازدواج،۱۴- تعداد شهر ۱۵- نرخ طلاق.
- شاخص های عامل کالبدی – زیر بنایی : ۱- تعداد تعاونی مسکن به ازای هر ۱۰۰۰۰نفر ،۲- تعداد تصویه خانه به ازای ۱۰۰۰۰ نفر،۳- میزان استفاده از ضریب اینترنت،۴- مساحت زیر بنای واحد مسکونی.

مبانی نظری تحقیق

توسعه[1]، پدیده جدیدی نیست بلکه با انسان زاده می شود و همراه با تکامل زندگی اجتماعی انسان رشد کرده و هرگز از آن جدا نبوده است. از این رو باید تکامل و توسعه را در تعالی جامعه انسانی جستجو کرد و همراه با این تعالی ابعاد جدیدی برای آن درنظر گرفت. در یک نگاه کلی می توان اذعان داشت که توسعه کوششی آگاهانه، نهادینه شده و مبتنی بر برنامه ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جامعه، پدیده منحصر به فرد قرن بیستم است (ضرابی و تبریزی، ۱۳۸۹: ۳). توسعه فرآیندی چند بعدی است که سازماندهی مجدد و جهت دهی اقتصاد و سیستم های اجتماعی را شامل می گردد. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمانها، جوامع و مدیریت ها است (Streeten,1999: 56). یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است. افزایش تولید، دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرصتهای شغلی مناسب، بکارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه گذاری و مصرف در یک کشور یا منطقه را شامل می گردد (احمدیان و زنگی آبادی و کریمی، ۱۳۹۳: ۴). جان راولز از بزرگترین فلاسفه سیاسی در حوزه عدالت اجتماعی و شهید مرتضی مطهری از بزرگترین متفکرین اسلام شناس در این زمینه می باشند. از دیدگاه جان راولز در عدالت اجتماعی دو نگرش متفاوت وجود دارد. در نگرش اول با نگاهی محدود، تنها به عدالت اقتصادی توجه شده و جنبه های دیگر عدالت به دست فراموشی سپرده می شود؛ اما در نگرش دوم با نگاهی وسیعتر به سایر شئونات اجتماعی عدالت نیز بها داده می شود. راولز مهمترین متفکری است که با نگرش دوم، نظریه عدالت را مبتنی بر ساختارهای اساسی جامعه مطرح نموده است. هدف ایده آل راولز،

1- Development

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

تحقق جامعه ای موزون و متعادل است. جامعه ای که در آن سهم هر یک از افراد از خیر و منفعت به واسطه نهادینه شدن مفهوم عدالت مبتنی بر آزادی های برابر، توزیع می گردد (راولز،۱۳۸۳: ۸۴). پیشینه تاریخی واژه توسعه به سال های پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد که در آغاز برحسب رشد اقتصادی تعریف می شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، در آمد سرانه و مانند آن نشانه توسعه یافتگی جوامع به شمار می آمد(صرافی، ۱۳۸۷: ۷). مایکل تودارو[1] توسعه را جریان چند بعدی می داند که در آن مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور مورد توجه قرارمی‌گیرد. توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، متضمن تغییرات در ساخت های نهادی و اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است (آسایش، ۱۳۸۳: ۹). چند دهه ای است که مفهوم توسعه با اصطلاح برنامه ریزی پیوند تنگاتنگی پیدا کرده و به عنوان هدف کلان برنامه ریزی درحوزهٔ عمومی در دنیا پذیرفته شده است(توکلی نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۲). نابرابری منطقه ای، توزیع نابرابر فرصت های اجتماعی و اقتصادی در مناطق کشور است. نابرابری منطقه ای در هر جامعه ای می تواند جلوه های مختلفی داشته باشد. به لحاظ نظری پنج رویکرد کلی را می توان در رابطه با نابرابری منطقه ای (فضایی) از هم تمیز داد. رویکرد نهائیون[2] که مبتنی بر اصول نیوکلاسیک تعادل اقتصادی است، بر اهمیت تخصیص منابع از طریق بازار تأکید دارد.که با توسعه اقتصادی و بازارهای مختلف، نابرابری منطقه ای نیز کاهش می یابد. (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۰۱) رویکرد نهاد گرایان [3] نابرابری فضایی را ناشی از عملکرد بازار سرمایه داری می داند. رویکرد سوم انتشاریون[4] است که معتقد به انتشار فضایی رشد است که این می تواند خالق نو آواری ها در اقتصاد فضا باشد. رویکرد چهارم، رویکرد رادیکال است. در این رویکرد سه دیدگاه (مارکسیستی، وابستگی و دیدگاه مبادله نابرابر) وجود دارند که هر کدام نابرابری فضایی را ناشی از عوامل مختلفی می دانند. رویکرد پنجم به نظریه تفکیک نابرابر پل کولومی (۱۹۸۵) تعلق دارد. این رویکرد روند عمده تغییرات اجتماعی را تفکیک ساختاری می داند(نظم فرو دیگران، ۱۳۹۴: ۶). اغلب نظریه هایی که در دهه های۱۹۵۰ و۱۹۶۰ مطرح شده، توسعه را دستیابی میزان بالاتری از نرخ رشد اقتصادی معرفی کرده اند(Todaro,1990: 17). اما با انتقاد از این نظریه ها در دههٔ ۱۹۷۰، مفهوم توسعه به کاهش یا از میان رفتن فقر، بیکاری، نابرابری و تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی گرایش پیدا کرد. در مبانی جدید توسعه، راه ورود انسان و جنبه های زندگی وی در نظر گرفته شد و به این نتیجه رسیدند که محتوی اصلی آن تأمین نیازهای اساسی، بهبود بخشیدن به شرایط زیستی افراد و جامعه است(زیاری ، ۱۳۸۰: ۹۴). طرح مفهوم قطب رشد توسط فرانسو پرو[5] برای نخستین بار در دهه ۵۰ و بسط این مفهوم در دهه های۵۰ و۶۰ توسط میردال[6]اقتصاددان سوئدی، آلبرت هیرشمن[7]اقتصاددان آلمانی و رائول پربیش[8]، اقتصاددان آرژانتینی، همراه با

1 - Michael Todaro
2 -Marginalist Approach
3 - Institutionalist Approach
4 - Diffusionnist
5-Francois Perroux
6- myrdal
7- Hirschman
8- Raul Prebisch

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

سایر نظریه پردازان توسعه بیانگر تلاش به منظور کاهش فاصله بین مناطق و رشد نواحی عقب مانده بوده است(توکلی نیا، ۱۳۹۱: ۳). نگرشی به نظریه های رشد و توسعهٔ منطقه ای نشان می دهد، دانشمندان اقتصاد روی یک نظریهٔ مشخص رشد ناحیه ای – چه در سطح بین المللی و چه در محدودهٔ مرزهای کشور- هم رأی نیستند. نظریه های ارائه شده دربارهٔ دستیابی به توسعه را می توان به دو گروه عمدهٔ، نظریهٔ رشد نامتعادل و نظریهٔ رشد متعادل تقسیم کرد: الف)پرو[1]، هیرشمن[2]، سینگر[3]و رستو از پیروان دکترین رشد نامتعادل هستند که درآن، نظریه قطب رشد متجلی می شود. نظریهٔ قطب رشد پویا بر دو اثر استوار است: یکی اثرات تمرکز و دیگری اثرات پخش؛ بدین صورت که رشد همزمان درهمه جا اتفاق نمی افتد بلکه در نقاط یا قطب های توسعه رخ می دهد که از قدرت جاذبهٔ بالایی برخوردارند(اثرات تمرکز) این نقاط، توسعه را درکانال هایی پخش می کند که کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهد(اثرپخش) طرفداران نظریهٔ قطب رشد معتقدند که گسترش شهرها منجر به توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی روستا ها می گردد و در نتیجه باید به دنبال گسترش و رشد صنایع در شهرهای بزرگ بود. ب)میردال، هاریسن[4] و میسرا معتقد هستند که تئوری قطب رشد نتوانسته است نابرابری و عقب ماندگی بین مناطق مختلف را درکشورهای توسعه نیافته از بین ببرد بلکه باعث تشدید نابرابری منطقه ای شده است و لذا الگوی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته نمی باشد(محمدی و عبدلی و بیرانوند، ۱۳۹۱: ۷) بر اساس نظریهٔ مرکز- پیرامون، نظام فضایی کشور به دو زیر نظام یعنی یکی مرکز و دیگری پیرامون تقسیم می شود. پایه و اساس نظریهٔ مرکز- پیرامون بر مبنای این واقعیت شکل گرفت که مناطق مرزی در پیرامون کشورها مکان گزینی شده اند (Erkut and Ozegen, 2003:28) فریدمن[5]رابطهٔ بین این دو نظام را رابطه ای استعماری دانسته که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه ای شدن را در پیرامون به دنبال دارد. مرکز به عنوان محل تمرکز اطّلاعات، نوآوری، تخصص و جایگاه مناسبی برای رخداد توسعه است. همچنین مرکز بیشترین پیشرفت خود را از طریق تسلط و کنترل بر فعالیت های اقتصادی و سیاسی مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی به دست می آورد. در نهایت توزیع فضایی سیستم سکونتگاهی به طور قوی به وسیلهٔ کارآیی نظریهٔ مکان مرکزی دیکته می شود(کلانتری، ۱۳۸۰: ۳۶) امروزه نظریه پردازان ضرورت برنامه ریزی منطقه ای صحیح را برای رسیدن به توسعه متوازن مطرح می کنند و معتقدند که توسعه متعادل برآن است که بهترین شرایط و امکانات را برای پیشرفت جوامع و همه جانبه فراهم آورد، تفاوت های کیفیت زندگی بین منطقه ای و درون منطقه ای را به حداقل برساند و در نهایت از بین ببرد(Bhatia,2004) درکشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگیهای نواحی مختلف و نابرابری آنها، در هر برنامه ریزی اساس کار محسوب می شود، زیرا در این کشورها هدف نهایی از تحلیل سیستم ناحیه ای توزیع مطلوب جمعیت و امکانات در سطح ناحیه ای است. به عبارت دیگر تحلیل سیستم های ناحیه ای باید کارایی و بازدهی فعالیتهای اقتصادی را در همه زوایا به همراه عدالت اجتماعی در توزیع امکانات افزایش داده و به صورت

1 - Frcanois Perroux
2- Hirschman
3 -Singer
4 -Harrison
5- Friedman

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

محرک فعالیت های اقتصادی و اجتماعی عمل کند(بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷۹). با توجه به مسائل و ایرادات مطرح شده در مورد شاخص درآمد سرانه، به خصوص از دهۀ ۶۰ به بعد، شاخص های ترکیبی مطرح گردید.از جمله شاخص های فقر انسانی، توسعه انسانی(HDI)، ترکیبی توسعه اجتماعی توسط برنامه تحقیقات توسعه سازمان ملل و شاخص کیفیت فیزیکی زندگی توسط موریس ارائه گردید.که هر کدام از شاخص های ترکیبی از چند شاخص جزئی تشکیل می شود. در یک شاخص ترکیبی دیگر، مارتیک و ساویک[1] (۲۰۰۱) برای رتبه بندی مناطق مختلف، با توجه به توسعه اقتصادی - اجتماعی(SEDI) شاخص های زمین قابل کشت، دارایی ثابت فعال، مصرف برق و جمعیت را در نظر گرفته اند(آهنگری و سعادت مهر، ۱۳۸۶: ۵).

نتایج

در این مطالعه پس از بررسی و مقایسه روش های متفاوت در نرم افزار spss، روش ward و معیار فاصله اقلیدسی برای انجام مطالعات انتخاب شد که شکل (۱) دندوگرام حاصل از این روش را نشان می دهد.

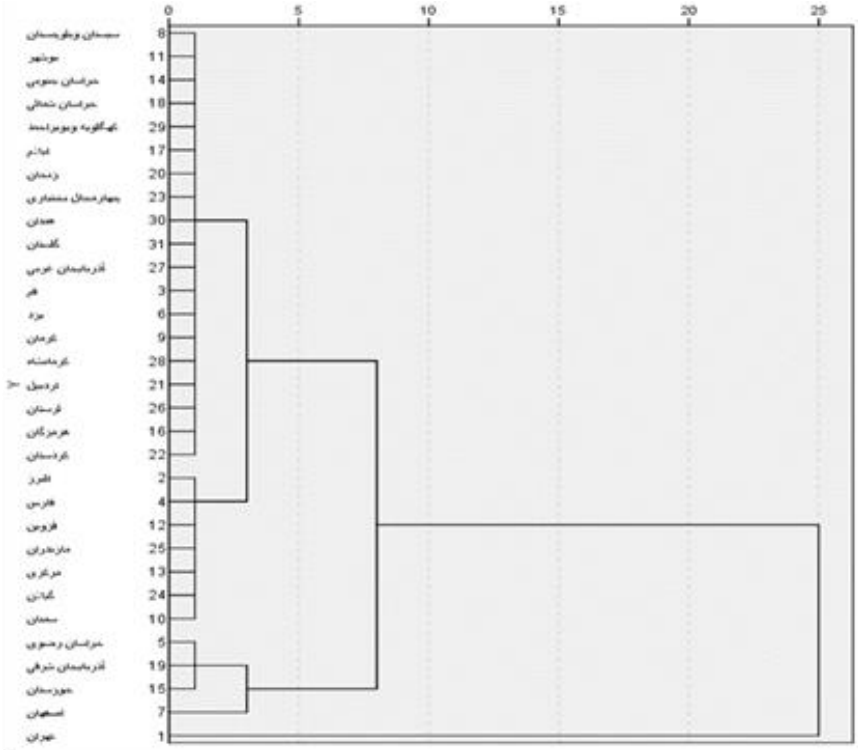

شکل (۱): نمودارتحلیل خوشه ای سلسله مراتب توسعه استانهای کشور۱۳۹۰

با توجه به شکل(۱) استان های کشور در شرایطی ناهمگن و نامتوازنی قرار گرفته اند. بر اساس این نتایج استانهای تهران و اصفهان به ترتیب در رتبه های اول و دوم و استان های خراسان جنوبی، بوشهر و سیستان و

1- Martic and Savie

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

بلوچستان در رتبه های آخر قرار گرفته اند. به این ترتیب، این سطح بندی نشان می دهد که استان هایی که در انتهای این فهرست قرار گرفته اند از محرومیت های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و غیره رو به رو هستند. مشاهده عام وضع موجود گویای آنست که عدم عدالت فضائی[1]در کشور به وضوح به چشم می خورد. باید توجه داشت هنگامی که از"فضا"سخن می گوییم، تنها فضای کالبدی(فیزیکی) که مرئی و ملموس است نیست. بلکه فضایی است که به سبب دخالت انسان پیوسته در تحول و تغییر است و تنها در رابطه با انسان و جامعه معنا دارد. رتبه بندی استان ها بر حسب کل شاخص ها نشان می دهد که استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین درجه توسعه یافتگی را دارا می باشند. تمرکز اقتصادی در برخی از مناطق کشور مانند تهران و برخی کلان شهرهای منطقه ای، توزیع نامتعادلی از رشد را در مناطق مختلف کشور پدید آورده است که به دلیل جذب جمعیت و فعالیت بخش زیادی از منابع تولیدی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری و در نتیجه رشد را به خود اختصاص داده اند. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰ که ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰(سرشماری عمومی نفوس ومسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ درصد گزارش شده که نسبت به سال۹۰، ۲/۵ درصد تغییر داشته است.که همه این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می باشد که باعث نابرابری ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است.

جدول (۳) : وضعیت استان ها درگروه های مختلف ازنظر برخورداری از شاخص ها

خوشه	وضعیت	استان	تعداد
۱	توسعه یافته	تهران	۱
۲	نسبتاتوسعه یافته	اصفهان، خوزستان ، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی	۴
۳	کمترتوسعه یافته	سمنان، گیلان، مرکزی، مازندران ، قزوین، فارس، البرز	۷
۴	توسع نیافته و محروم	کردستان، هرمزگان، لرستان، اردبیل، کرمانشاه، کرمان، یزد، قم، آذربایجان غربی، گلستان، همدان، چهارمحال بختیاری، زنجان، ایلام، کهگلویه و بویراحمد، خراسان شمالی ، خراسان جنوبی، بوشهر، سیستان و بلوچستان	۱۹

ماخذ: یافته های تحقیق،۱۳۹۵

همانطور که در شکل (۲) مشاهده می شود، عدم تعادل و نابرابری در مناطق مختلف کشور (غربی – شمالی و شرقی – جنوبی) بین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... دیده می شود. با توجه به اشکالی که در پایین آورده شده، نیمه غربی- شمالی کشور دارای درصد بیشتری از عوامل را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که در نیمه شرقی – جنوبی درصد این عوامل نسبت به نیمه بالایی از درصد کمتری برخوردارند.

1- Spatial justice

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

بدین ترتیب تراکم اکثر عوامل(جمعیت، اشتغال، صنعت، دانشجو، باسوادی و ...) در مناطق نیمه غربی – شمالی کشور تجمع دارند. که نشانه نابرابری و عدم تعادل در بین مناطق را به وضوح نشان می دهد.

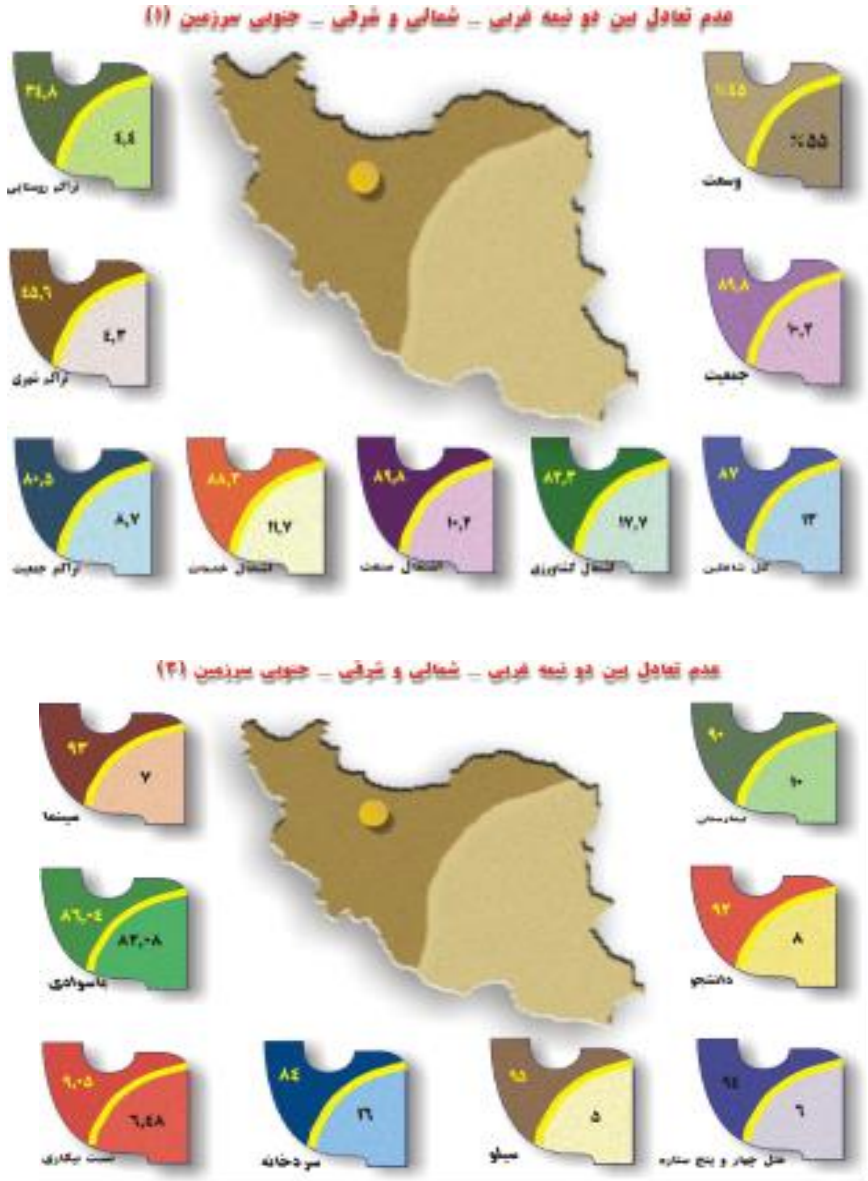

شکل (۲) : نابرابری در مناطق مختلف کشور(ماخذ: صرافی، ۱۳۹۴: ۱۲)

سطوح توسعه یافتگی استانهای کشور از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آن ها در طول زمان، نابرابری های منطقه ای را در ایران نشان می دهد. نابرابری های بین منطقه‌ای از نمادهای آشکار کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌هاست با توجه به جدول(۴) بجز استان های آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، کرمانشاه، خراسان و فارس، سایر استان ها در سطوح مربوط به خود در همان رتبه و گروه قرار داشته اند. توزیع جغرافیایی شاخص های توسعه، ناهمگونی های فضایی بین استانهای کشور را اثبات می کند. که این ناهمگونی فضایی در سطح استانها از نظر شاخص های مورد بررسی دیده می شود. الگوی حاکم بر سازمان فضایی[1]کشور، حاکی از وجود الگوی مرکز- پیرامون در توسعه منطقه ای است. بر طبق این الگو مرکز از طریق جذب فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امکانات، ثروت و نیروی کار متخصص از نواحی پیرامون، توسعه و گسترش فراوانی یافته است. و تأثیرات پراکنشی و فضایی مفیدی را بر توسعه نواحی پیرامونی خود از لحاظ توسعه نداشته و چه بسا بر محرومیت[2] آنها افزوده است. به طوری که کلیه استان های توسعه نیافته و محروم در نواحی حاشیه[3]ای، مرزی و مناطق کوهستانی واقع شده اند. این نابرابری ها بازتاب بی توجهی به مدیریت واحد سرزمینی و عدم هماهنگی سازمان های متولی در امر توسعه فضایی می باشد. همچنین بین سطوح توسعه‌یافتگی استان‌های مرکزی و مرزی کشور عدم تجانس‌های شدیدی وجود دارد، به طوری که استان‌های مرکزی بسیار توسعه‌یافته‌تر از استان‌های مرزی هستند. رتبه بندی استان ها بر حسب شاخص های توسعه نشان می دهد که در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۳۱ استان یک استان توسعه یافته، چهار استان نسبتاً توسعه یافته، هفت استان کمتر توسعه یافته و۱۹ استان در گروه توسعه نیافته و محروم قرار دارند جایگاه نسبی هر استان در سلسله مراتب استانی و میزان تغییر آن ها در طول زمان نیز نابرابر ی های منطقه ای و تشدید آن را در ایران نشان می دهد جدول(۴). در فاصله ۸۵- ۱۳۴۵، استان های یزد و مازندران از سطح توسعه میانی به سطح نسبتاً توسعه یافته تغییر سطح داده اند. ولی استان های آذربایجان غربی، بوشهر، همدان و کرمانشاه از گروه توسعه ی میانی به سطح استان های توسعه نیافته تنزل یافته اند. همچنین جایگاه استان های فارس و خوزستان و خراسان در سلسله مراتب استانی از سطح نسبتاً توسعه یافته به سطح توسعه میانی افت داشته است. هیچکدام از استان های توسعه نیافته نتوانسته اند به ترقی و صعود در سطوح بالای سلسله مراتب دست یابند. همانطور که مشاهده می شود استان مرکزی تا سال ۱۳۵۵در رتبه اول قرار دارد که به دلیل تقسیمات سیاسی ۱۳۳۹بود که بخش بزرگی از استان مرکزی فعلی در استان مرکزی آن زمان به مرکزیت شهر تهران قرار داده شد.ولی بعداً همانطور که مشاهده می شود در سالهای ۱۳۷۹و ۸۵ رتبه خود را از دست داده بطوری که در سال۱۳۹۰در گروه استان های کمتر توسعه یافته قرار گرفته است.استان فارس که در سالهای۷۹-۱۳۴۵ در گروه استان های نسبتاً توسعه یافته قرارداشته ولی رتبه استان هر سال اُفت کرده که در سال ۹۰ و۸۵ در گروه استان های کمتر توسعه یافته جا گرفته است. استان آذربایجان غربی که از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ رصد شده، نشان دهنده کاهش رتبه توسعه یافتگی این استان بین استان های کشور است بطوری که از گروه استان های کمتر توسعه یافته در سال ۱۳۴۵ به گروه استان های توسعه نیافته در سال ۱۳۹۰تقلیل

1-Space Agency
2 - deprived
3 -Margin

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

یافته است. استان لرستان نیز مانند موارد قبلی اگر چه رتبه های متفاوتی را در هر سال به خود گرفته ولی این جابجایی و تحرک درگروه خود یعنی بین استان های توسعه نیافته بوده و در طول سال های ۴۵ تا ۹۰ همچنان در جزو استان های توسعه نیافته باقی مانده است. که این مسائل استان های دیگر را هم شامل می شود. نکتهٔ حایز اهمیت، عدم تعادل و نابرابری استان ها در هر یک از عوامل است. به عبارت دیگر، توسعه نه تنها بین مناطق بلکه بین بخش های مختلف نیز به طور یکنواخت و هماهنگ صورت نگرفته است. استان هایی که عمدتاً واقع در مرکز و شمال و شمال شرق کشور هستند، در سطح توسعه یافته قرار دارند. در حالی که استان هایی که در پیرامون یا نوار مرزی کشور واقع شده اند، توسعه نیافته و محروم هستند. به این صورت که، ۱- نابرابری منطقه ای درکشور بین مناطق وجود دارد، به گونه ی که تهران به عنوان توسعه یافته ترین استان و استان سیستان و بلوچستان به عنوان توسعه نیافته ترین استان کشور طی این دوره جایگاه خود را حفظ کرده اند. ۲- تعداد استان های توسعه نیافته نسبت به دوره قبل کمتر نشده است.۳- اهمیت استان تهران به عنوان مقصد مهاجرت همچنان در حال افزایش است. با توجه به تمرکز امکانات و مزایا در این استان و محرومیت سایر مناطق نسبت به آن، می‌توان روند افزایش مهاجرت به پایتخت و سایر کلان‌شهرها را در آینده نیز پیش‌بینی کرد. این نابرابری ها بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، به ویژه نارسایی های نظام برنامه ریزی، بی توجهی به مدیریت واحد سرزمینی و عدم هماهنگی سازمان های متولی در امر توسعه فضایی[1] می باشد. استان های عدم برخوردار به دلیل محرومیت بیشتر و سطح پایین توسعه، نیازمند توجه ویژه در خصوص شاخص های مختلف توسعه هستند. از این رو تقویت توان استان های محروم و حاشیه ای برای حصول تعادل منطقه ای ضروری است. جامعه‌ای که دارای گروه های قومی متنوعی است در مقایسه با جامعه‌ای که از تنوع قومی برخوردار نیست، به شیوه تدوین برنامه متفاوتی نیاز دارد. لذا اگر برنامه‌های توسعه به صورت مناسب و صحیح تدوین شوند، عامل همگرایی اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی جامعه خواهند بود.

جدول (۴) : سطح بندی استان های کشور طی سال های ۴۵-۹۰

1 .Spatial Development

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

میزان توسعه	پژوهش حاضر ۱۳۹۰	رتبه استانها	میزان توسعه	پژوهش جمیله توکلی نیا۱۳۸۵	میزان توسعه	پژوهش فرهاد نور بخش۱۳۷۹	میزان توسعه	پژوهش هوشنگ امیر احمدی۱۳۵۵	پژوهش هوشنگ امیر احمدی۱۳۴۵
توسعه یافته	تهران	۱	توسعه یافته	تهران	توسعه یافته	تهران	نسبتاًتوسعه یافته	*مرکزی	*مرکزی
	اصفهان	۲		سمنان		قم		اصفهان	فارس
	*خوزستان	۳	نسبتاًتوسعه یافته	اصفهان		اصفهان		یزد	*خوزستان
نسبتاً توسعه یافته	آذربایجان شرقی	۴		یزد		یزد		*خوزستان	سمنان
	خراسانرضوی	۵		مازندران	نسبتاًتوسعه یافته	سمنان		فارس	اصفهان
	سمنان	۶		قزوین		*مرکزی	کمترتوسعه یافته	سمنان	خراسان
	گیلان	۷	توسعه متوسط	خراسان رضوی		فارس		کرمانشاه	آذربایجان شرقی
	*مرکزی	۸		گیلان	توسعه متوسط	گیلان		خراسان	کرمانشاه
کمتر توسعه یافته	مازندران	۹		*مرکزی		کرمانشاه		آذربایجان شرقی	مازندران
	قزوین	۱۰		قم		کرمان		گیلان	*آذربایجان غربی
	فارس	۱۱	توسعه نیافته	آذربایجان شرقی		مازندران		همدان	گیلان
	البرز	۱۲		فارس		*خوزستان		کرمان	بوشهر
	کردستان	۱۳		*خوزستان		آذربایجان شرقی	توسعه نیافته	مازندران	یزد
	هرمزگان	۱۴		زنجان		بوشهر		بوشهر	همدان
	لرستان	۱۵		بوشهر		لرستان		چهارومحال بختیار	لرستان
	اردبیل	۱۶		چهارومحال بختیا		ایلام		هرمزگان	هرمزگان
	کرمانشاه	۱۷		همدان		خراسان		*کردستان	*کردستان
	کرمان	۱۸		کرمان		چهارومحال بختیا		ایلام	کهگلیویه وبویراحمد
	یزد	۱۹		کرمانشاه	توسعه نیافته	همدان		*اذربایجان غربی	چهارومحال بختیاری
	قم	۲۰		خراسان جنوبی		هرمزگان		لرستان	زنجان
	*آذربایجانغربی	۲۱		لرستان		اردبیل		کهگیلویه وبویراحمد	ایلام
توسعه نیافته و محروم	گلستان	۲۲		ایلام		زنجان		سیستان وبوچستان	کرمان
	همدان	۲۳		گلستان		*آذربایجان غربی		زنجان	سیستان وبلوچستان
	چهارمحالوبختیاری	۲۴		اردبیل		کهگلیویه			
	زنجان	۲۵		هرمزگان		*کردستان			
	ایلام	۲۶	محروم	*کردستان		سیستان بلوچستا			
	کهگلویه بویراحمد	۲۷		*آذربایجان غربی					
	خراسان شمالی	۲۸		کهگلویه و بویر احمد					
	خراسان جنوبی	۲۹		خراسان شمالی					
	بوشهر	۳۰		سیستانوبلوچستان					
	سیستانوبلوچستان	۳۱							

به لحاظ تاریخی گروه‌های قومی متفاوت فارس، ترکمن، کُرد، ترک، بلوچ، لُر، عرب و ... در ایران استقرار یافته‌اند که با کشورهای همسایه رابطه تاریخی، قومی و فرهنگی دارند. وضعیت موجود گروه‌های قومی در ایران بیانگر معضلات و مشکلاتی در مناطق قومی است. به طوری که توجه بیشتر به شهرهای بزرگ در مناطق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

مرکزی و مغفول ماندن نواحی مرزی، موجب نابرابری در دستیابی به امکانات و فرصت‌ها میان مناطق قومی و توسعه نامتوازن و محرومیت آنها شده است. تهران به عنوان پایتخت کشور در سال ۱۳۹۰که ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را داشته، این رقم در سال ۹۵ به ۱۶/۶۰(سرشماری عمومی نفوس ومسکن ۱۳۹۵) رسیده که نشان دهنده افزایش سهم جمعیت آن از کل کشور نسبت به سال ۹۰ می باشد. همچنین میزان مهاجرت به تهران ۲۰/۲ گزارش شده که نسبت به سال ۹۰، ۲/۵ درصد تغییر داشته است.که همه این آمارها نشان دهنده تجمع امکانات و خدمات در پایتخت می باشد. که باعث نابرابری ها بین مناطق و مهاجرت مردم به تهران را موجب شده، که تمرکز بیش از اندازه جمعیت در تهران نتیجه این عوامل است.

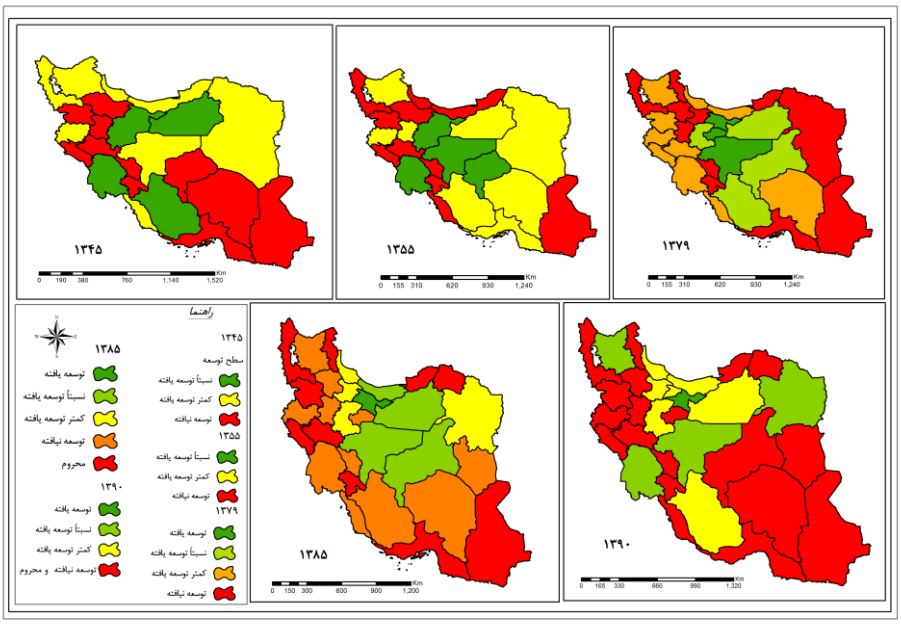

شکل (۳) : پراکنش فضایی سطوح توسعهٔ منطقه ای در ایران سال ۴۵ تا۱۳۹۰

با توجه به شکل (۳)، توسعه مناطق در کشور تقریباً تمایل به مرکز دارد و اکثر استان های توسعه یافته در مرکز کشور قرار دارند. غیر از سال های ۴۵و ۵۵ که تهران جزو استان مرکزی بوده، در دوره های بعدی که پایتخت کشور بوده جزو توسعه یافته ترین استان محسوب می شود. در دوره ۸۵ توسعه به مناطق پیرامونی نیز رسوخ کرده است ولی همچنان تمرکز این توسعه در مرکز کشور قرار دارد و استان های توسعه یافته اکثراً در مرکز، شمال، و تقریباً شمال شرق کشور قرار گرفته اند. دلیل توسعهٔ استان های مذکور، نزدیکی آنها به پایتخت و دسترسی به راه آهن سراسری شمال- جنوب است. این در حالی که استان های جنوبی همچنان در توسعه نیافتگی قرار دارند. این مناطق به علت دوری از مرکز و تمرکز بخش قابل ملاحظه ای از اقلیت های قومی – مذهبی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. استان های با توسعهٔ متوسط در نوار مرزی جنوب، جنوب غرب و شمال غرب کشور تمرکز یافته اند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

عدالت فضایی، توزیع عادلانه فضایی منابع محدود و فرصت استفاده از آن ها است. بنابراین عدالت بدین معنی نیست که پراکندگی جمعیت و فعالیت در کشور همگون باشد، اما باید نیازهای پایه مردم مناطق کشور برآورده شود. برقرای عدالت یعنی، فرصت منصفانه در دسترسی به امکانات برآمده از منابع ملی که در نقطه آغازین جزو شرایط پایه و هدفی منصفانه است. هرچند در صورت نیاز برای تأمین نیازهای پایه باید با تخصیص منابع عمومی، نابرابری در نقطه پایان را کاهش داد. امروزه، هرچند تلاش عمومی برنامه ریزی چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی در پی کاهش نابرابری ها است، اما متأسفانه حرکت تاریخی توسعه، به رغم افزایش ثروت، همواره به سوی گسترش نابرابری ها بوده است. نتایج این پژوهش و ارزیابی توسعهٔ منطقه ای بر حسب شاخص های توسعه در سال۱۳۹۰ نشان می دهد که در کشور ایران نیز عدم تعادل های منطقه ای با گذشت چند دهه از سابقه ی برنامه ریزی در کشور، هنوز وجود دارد. بدین صورت که بعضی مناطق کشور بخصوص مناطق جنوبی و شرقی کشور همچنان در توسعه نیافتگی و عدم برخورداری از امکانات و خدمات توسعه قرار دارند. رتبه بندی استان ها بر حسب شاخص های منتخب نشان می دهد، در سال ۱۳۹۰از مجموع ۳۱ استان، یک استان توسعه یافته، چهار استان نسبتاً توسعه یافته، هفت استان کمتر توسعه یافته و ۱۹ استان توسعه نیافته و محروم می باشند. مقایسه سطوح توسعه یافتگی استان های کشور، براساس مطالعات انجام گرفته توسط محققین، حکایت از این دارد که طی سال های گذشته، تغییرات زیادی در سطح توسعه مناطق کشور ایجاد نشده و برخی از مناطق همچنان در محرومیت قرار دارند. با توجه به نقشه های تهیه شده از نتایج تحقیقاتی که در سال های قبل انجام شده، در سال ۱۳۴۵ استان های مرکزی، فارس، خوزستان، سمنان به ترتیب رتبه های اول تا چهارم را درگروه نسبتاً توسعه یافته قرار دارند. در سال ۱۳۵۵ مرکزی، اصفهان، یزد و خوزستان به ترتیب رتبه های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده اند که استان یزد از گروه توسعه نیافته در سال ۴۵ به رتبه سوم ارتقاء پیدا کرده است. از سال ۷۹ به بعد با جدا شدن تهران از استان مرکزی، به عنوان توسعه یافته ترین استان در رتبه اول قرار گرفته است. در سال ۸۵ توسعه کاملاً در مرکز کشور متمرکز بوده که در سال ۹۰ به اطراف نیز رسوخ پیدا کرده است. بررسی و تحلیل نتایج تحقیق، توسعه نیافتگی مناطق کشور را ناشی از توجه به مرکز و کمبود شاخص های توسعه(اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) در مناطق پیرامونی دارد. بدین صورت که تمام امکانات و خدمات و تجهیزات کشور و حتی جمعیت در مناطق مرکزی کشور تجمع کرده و بیشتر خدمات و امکانات کشور را در اختیار دارند. با توجه به نتایج بدست آمده استان های جنوبی در همه دوره ها جزو استان های توسعه نیافته و محروم قرار گرفته اند که نشان از عدم توجه به این مناطق است. بنابراین نظام برنامه ریزی باید توجه خود را به برنامه ریزی از پایین قرار بدهد تا مناطق محروم و توسعه نیافته نیز در مسیر توسعه و پیشرفت قرار بگیرند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

جدول (۵) : رتبه بندی اهمیت موانع توسعه منطقه ی

موانع توسعه منطقه ای	رتبه
توجه زیاد به مرکز و پایتخت محوری کشور و تمرگز گرایی	۱
برنامه ریزی بالا به پایین مناطق و نگرش بخشی در برنامه ریزی ها	۳
عدم توجه به مناطق مرزی و تجهیز امکانات به دلایل امنیتی	۲
عدم توجه به مناسبت تجهیزات ارائه شده با محیط منطقه	۳
نبود برنامه های آمایشی یکپارچه و بکار نبستن آن	۱

با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر جهت رفع و یا کاهش نابرابری بین استان های کشور و تعیین اواویت ها با توجه به نتایج پژوهش در برنامه ریزی ها ی منطقه ای مورد نظر باید مورد توجه قرار گیرد.

- تقویت مناطق محروم و ارائه خدمات و امکانات به آنها
- انجام صحیح برنامه ریزی ها در سطح مناطق و از پایین به بالا
- توجه به محیط جغرافیایی و منابع مناطق در ارائه امکانات
- عدم پایتخت محوری و توجه بیش از حد به مرکز
- توجه به مناطق مرزی و استفاده از منابع این مناطق در راستای توسعه مناطق و کشور
- تقویت مناطق جنوبی و محروم و ارائه زیر ساخت های بهداشتی، آموزشی و ...

منابع

آسایش، حسین.(۱۳۸۳). **اصول و روش های برنامه ریزی روستایی،** تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

آهنگری، عبدالمجید؛ سعادت مهر، مسعود.(۱۳۸۶). **مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای اقتصادی و اجتماعی،** مجله دانش و توسعه،(۲۱).

احمدیان، مهدی؛ زنگی آبادی، علی؛ کرمی، محمد.(۱۳۹۳). **تحلیل فضایی شاخص های توسعهٔ منطقه ای با بهره گیری تلفیقی ازتکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه مورد پژوهش : استان کردستان،** فصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری،(۵)،۱.

بابا خانی، محمد؛ قاسمی، رامین؛ رفیعی، حسن؛ راغفر، حسین؛ بیگلریان، حسن .(۱۳۹۰). **رابطه عدالت توزیعی و سلامت در ایران،** فصلنامهٔ علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

بحرینی، سیدحسین.(۱۳۷۸). **تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی،** تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

پریزادی، طاهر؛ زنگی آبادی، علی. (۱۳۹۰). **سنجش و تحلیل سطوح‌توسعه یافتگی نواحی‌روستایی استان کردستان با استفاده از مدل تحلیل خوشه ای،** فصلنامه مطالعات مدیریت شهری،(۳)، ۷.

پوراصغر سنگاچین؛ فرزام، صالحی، اسماعیل؛ دیناروندی، مرتضی.(۱۳۹۲). **مقایسه روش های سنجش توسعه پایدار منطقه ای با استفاده از شاخص های ترکیبی استان های کشور ایران،** پژوهش های محیط زیست،(۴)، ۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]

[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

توکلی نیا، جمیله؛ شالی، محمد. (۱۳۹۱). **نابرابری های منطقه ای در ایران**، فصل نامه آمایش محیط،(۱).

حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف. (۱۳۸۵). **کاربردمدل در جغرافیا با تاکید بربرنامه ریزی شهری وناحیه ای**، تهران، انتشارات علم نوین.

راولز، جان. (۱۳۸۳). **عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی**، ترجمه عرفان ثابتی ، تهران : نشر ققنوس.

رفعییان، مجتبی؛ شالی، محمد. (۱۳۹۱). **تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری**، برنامه ریزی وآمایش فضا،(۴).

صالحی، اسماعیل؛ پور اصغر سنگاچین، فرزام؛ دیناروندی، مرتضی. (۱۳۹۱). **سنجش سطح توسعه یافتگی استان کردستان با استفاده از مدل تحلیل خوشه ای**، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، (۳)، ۷.

صرافی، مظفر. (۱۳۸۷). **ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری**، هفت شهر، شماره۲۳ و ۲۴.

صرافی، مظفر. (۱۳۹۴). **توسعه منطقه ای و عدالت فضایی**، دومین نشست تخصصی توسعه منطقه ای استان سمنان، گروه شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

ضرابی، اصغر؛ تبریزی، نازنین. (۱۳۹۰). **تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران- رویکردتحلیل عاملی**، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، (۱۲).

-کلانتری، خلیل. (۱۳۸۰). **توسعه منطقه ای: نظریه ها و تکنیک**، چاپ خوش بینی : تهران.

گلدسته، اکبر. (۱۳۸۰). **SPSSراهنمای کاربران**، چاپ سوم، جلد دوم، تهران: انتشارات حامی مرکز فرهنگی.

منصورفر، کریم. (۱۳۸۵). **روش های پیشرفته آماری همراه بابرنامه های کامپیوتری**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مومنی، منصور؛ قیومی، علی. (۱۳۹۱). **تحلیل های آماری با استفاده از spss** ، چاپ هفتم، ناشر : مولف.

محمدی،جمال؛ عبدلی،اصغر؛ بیرانوند، محمد. (۱۳۹۱). **بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخشهای مسکن وخدمات رفاهی- زیربنایی، کشاورزی وصنعت**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ،(۱۲)، ۲۵.

نشریه شماره ۴، (۱۳۸۴)، **پدافندغیرعامل،آشنایی با فضاهای امن پناهگاهی**، قرارگاه، خاتم الانبیاء، تهران.

نظم فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه؛ باختر، سهیلا(۱۳۹۴). **تحلیل فضایی توسعه منطقه ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل های تصمیم گیری چند معیاره**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره۳۶.

لیلیان، رضا؛ رخشابی نسب ، حمیدرضا؛ رمضان زاده، رقیه(۱۳۹۰). **تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه ای در ایران**، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال سوم، ش. ۶.

-Apostolache, M. A. 2014. **Regional Development in Romania–From Regulations to Practice**. Procedia Economics and Finance, 8, 35-41.

-Amin Bi Dokht, A. A. 2007. **Ranking of Semnan Cities by level of Development**, Growth of Geography Educating Journal 76, PP. 17-23.

- .Bhatia,V.K & Rai,S.C .2004.**Evaluation Of Socio- Economic Development in Small Areas,New Dehli,** 23(1).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]

[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]

-Erkut, G. & Ozgen, C. 2003. **The economic and spatial peripherally of border regions in South Eastern Europe**, The 43rd European Congress of the Regional Science Association, pp. 23- 35.
-Fedorov, L. 2002. **Regional inequality and regional polarization in Russia**, 1990–99. World Development, 30(3): 443-456.
-Haughton, G., & Counsell, D. 2004**. Regional, Spatial Strategies and Sustainable Development**, Routledge.
-Kawachi, I., Subramanian, S. V., & Almeida-Filho, N. 2002. **A glossary for health inequalities**. Journal of epidemiology and community health, 56(9): 647-652.
-Lees, N. 2010. **Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice**, Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th 2010.
-Leigh, A. Jencks, CH. 2007. Inequality and Mortality: Long-run evidence from a panel of countries, **Journal of health Economics**, 26, pp1-24.
-Masoumi Ashkvari, S.H. 2007. **Principles of Regional Planning, Tehran**, Payam Publications, 23(1): 94–104.
Mardia K, R,J.T. Kent and J.M.Bibby. 1982**. Multivariate Analysis**, Published by Academic Press INC, United State.
-Pacione, M . 2003. **Urban Geography, a Global Perspective, 2th, London:Routledge**, 2016.03.009.
-Shahdadi, H. 1989. **Application of socio - economic indicators in development planning**, Tehran, Plan and Budget Organization press.
-Streeten, P. 1999. **Economic Development in third world**, Boston University. http://www.ostan**.**kd.ir.
-Todaro, M. 1990. **Economic Development in Third World**, Translated to Persian by Gholam Ali Farjadi, Tehran, First Printing.
-Todes. H. 2001. **A the use of spatial framework in reginal development in South Africa**, Regional studies, vol 35.
-UNDP. 2010**. Human Development Report:40-year**, Trends Analysis Shows Poor Countries Making Faster Development Gains.
-Winkler, A. 2012. **Measuring regional inequality**, an index of socio-economic pressure for Serbia. Zbornik radova-Geografski fakultet Univerziteta u Beogradu, (60): 81-102.
-Wheeler, S. 2002. **The New Regionalism: Key Characteristic of an Emerging movement**, journal of the American Planning Association, 68(3), 267-278.
-Wilkinson R, Kater P.2006, Income Inequality and population health: Areviw and explanation of the evidence. **Social Sience & Medicine**, 62, pp 1768-1784.
-Ziyzri, KA., Zanjirchi, SM. and Sorkh Kamal, K. 2011. **Evaluation and Ranking of Development Degree in Cities of Khorasan Razavi, using TOPSIS technique**, Journal of Human Geography 42, PP. 17-30.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.6.1]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.179]